

Temporal point of view in the stories of the Qur'an and the Old Testament

(a case study of the story of Abraham and Lot)

Isa Alizadeh^{*}, S.Hasan Ameli^{}**

Ali Ghaffari^{*}, Ramin Moharami^{****}**

Abstract

Temporal point of view examines time in the narrative and the three main aspects of order, duration and frequency are discussed in it, which should be examined in the whole text and not in one sentence. This article descriptively and analytically examines the temporal point of view in the story of Abraham عليه السلام as the ancestor of the monotheistic religions and Lot عليه السلام as his cousin and that the story is intertwined in the two holy books of the Holy Quran and the Old Testament. The results show that the general ideology that dominates both of these books has a direct effect on their temporal point of view. The order in the story of the Old Testament is more prominent than the Holy Quran and the time of recitation is more in harmony with the time of narration in the Holy Quran than the Old Testament. Also, the frequency is repetitive in the Holy Quran whereas in the Old Testament it is often singular.

* PhD student Department of Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Ardabil, Iran
isaalizadeh313@gmail.com

** Associate Professor of Department of Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University,
Ardabil, Iran., sydhsnamly@gmail.com

*** Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Ardabil,
Iran (Corresponding Author), a_ghafari@uma.ac.ir

**** Professor, Persian Literature and Language, Islamic Azad University, Ardabil, Iran
moharami@uma.ac.ir

Date received: 10.01.2020, Date of acceptance: 12.08.2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

These cases originate from the ideology of the Quran, which is directional and educational, while the Old Testament is historical, and tries to express it in general.

Keywords: point of view, order, duration, frequency, Holy Quran, Old Testament.

زوایه دید زمانی در داستان‌های قرآن و عهد عتیق (مطالعه موردی داستان حضرت ابراهیم و لوط علیهم‌السلام)

عیسی علیزاده منامن*

سید حسن عاملی**، علی غفاری***، رامین محرمی****

چکیده

زوایه دید زمانی، به بررسی زمان در روایت می‌پردازد و در آن سه جنبه اصلی ترتیب، دیرش و بسامد مطرح می‌شود که باید آنها را در کل متن و نه در یک جمله بررسی کرد؛ این نوشتار به صورت توصیفی و تحلیلی به بررسی زوایه دید زمانی در داستان حضرت ابراهیم علیهم‌السلام به عنوان نیای ادیان توحیدی و حضرت لوط علیهم‌السلام به عنوان پسرعموی ایشان و اینکه داستان باهم آمیخته شده است در دو کتاب مقدس قرآن کریم و عهد عتیق پرداخته است، نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که اندیشه کلی حاکم بر دو کتاب بر زوایه دید زمانی تاثیر مستقیم داشته است؛ ترتیب در داستان عهد عتیق بارزتر از قرآن کریم می‌باشد و زمان قرائت با زمان روایت نسبت هماهنگ‌تری در قرآن کریم بر عهد عتیق دارد و نیز بسامد در قرآن کریم مکرر و در عهد عتیق در اغلب از نوع مفرد است، این موارد

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. isaalizadeh313@gmail.com

** دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران، sydhsnamly@gmail.com

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران، (نویسنده مسؤل)، a_ghafari@uma.ac.ir

**** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران، moharami@uma.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۱



از ایدئولوژی قرآن که هدایتی و تربیتی است و در عهد قدیم تاریخی است، را نشأت گرفته و به صورت کلی سعی در بیان آن را دارد.

کلیدواژه‌ها: زاویه دید، ترتیب، دیرش، بسامد، قرآن کریم، عهد عتیق.

۱. مقدمه

داستان حضرت ابراهیم علیه السلام به دلیل اشتراکات فراوان و منشأ ادیان توحیدی دارای اهمیت فراوانی است، داستان ایشان در عهد عتیق و قرآن بسیار مفصل بیان شده است، از این رو نگاه ویژه را طلب می‌کند، همچنین داستان حضرت لوط علیه السلام به عنوان پسرعموی ایشان دارای درهم تنیدگی با داستان را دارد و در میان داستان ایشان نقل شده است و از این نظر اهمیت می‌یابد، بررسی سبکی داستان در دو کتاب به صورت تطبیقی به بروز نقاط مبهم، تفاوت، اشتراکات آن کمک می‌کند، از این رو این مقاله برآن است تا به بهره‌گیری از الگوی شش‌گانه سیمپسون (Paul Simpson) و به صورت خاص الگوی چهارم آن یعنی «شخصیت‌پردازی: زاویه دید» (Characterisation 2: points of view) به بررسی این موضوع در محدوده داستان حضرت ابراهیم و لوط علیه السلام در دو کتاب مقدس قرآن کریم و عهد عتیق بپردازد، از این رو این مقاله برآن است تا شیوه تحلیلی و توصیفی به سوال «زاویه دید زمانی در داستان حضرت ابراهیم و لوط علیه السلام در قرآن و عهد عتیق چگونه است؟» پاسخ دهد. برای این عمل ابتدا دو داستان در دو کتاب مورد مطالعه و هر داستان با توجه به موضوع دسته‌بندی شدند، سپس در داستان‌ها سطوح سه‌گانه در آنها مورد بررسی قرار گرفت، همچنین در نحوه برخورد با داستان‌های قرآن شیوه نوینی استفاده شده است که در آن داستان به ترتیب نزول سور قرآن مرتب و چینش شده است، در این نوع نگاه می‌شود یک ترتیب خاص و منطقی مشاهده نمود، که این مقاله به آن اشاره کرده است.

در باب زاویه دید تحقیقات ارزنده‌ای انجام گرفته است، و نیز در باب زاویه دید از نگاه سیمپسون نیز چند اثر چون: «بررسی شخصیت‌پردازی و ساحت‌های زاویه دید در دو رمان مهاجرت (آینه‌های دردار و هم‌نواپی شبانه ارکستر چوبها) براساس دیدگاه روایی پاول سیمپسون: نویسنده: نگاری، فاطمه؛ فقیه ملک مرزبان، نسرین؛» «تاثیر «زاویه دید» در ایجاد صدای «فرامتن» در داستان‌های «سیمین دانشور» بر پایه بخش‌بندی «ژرار ژنت» نویسنده: رستمی، فرشته؛» «سبک‌شناسی روایت (سبک روایت حکایت‌های حلاج، بر اساس نظریه

زوايه دید زمانی در داستان‌های قرآن و عهد عتیق ... (عیسی علیزاده منامن و دیگران) ۱۶۷

سیمپسون) نویسنده: طاهری قلعه نو، زهراسادات؛ آقاحسینی، حسین؛ میرباقری فرد، سید علی اصغر؛ «تحلیل دیدگاه روایی در سوره طه با تکیه بر الگوی سبک‌شناسی انتقادی سیمپسون؛ نویسنده: حیدری، طاهره»، اما آنچه در این آثار وجود دارد نگرش خاص روایی و عدم تطبیق چند کتاب باهم می‌باشد، از این لحاظ، این نوشتار به دلیل تطبیق دو کتاب مقدس از یک سو و بررسی خاص زوايه دید زمانی دارای نوآوری می‌باشد.

زوايه دید زمانی، به بررسی زمان در روایت می‌پردازد؛ بررسی زوايه دید شامل استخراج مجموعه‌ای از تکنیک‌های سبک‌شناختی، همانند تکرار (repetition)، تأخر (analepsis) یا پس‌نگاه (flashback)، تقدم (prolepsis) یا پیش‌نگاه (prevision or flashforwar) و دیرش (duration) است. به طور کلی هرگونه دخالت و دستکاری نویسنده در توالی زمان در روایت در این بخش بررسی می‌شود. (سیمپسون، ۲۰۰۴، ص ۷۸-۷۹)

ژنت در حرکت از سطح داستان به متن، سه جنبه اصلی مربوط به دخل و تصرف در زمان یا شیوه بیان آن را از هم متمایز می‌کند که عبارتند از: ترتیب (order)، دیرش (duration) و بسامد (frequency). از نظر او، آرایش‌های زمانی فوق را باید در کل متن و نه در یک جمله، مورد مطالعه قرار داد. در ذیل این سطوح سه‌گانه بررسی و تجزیه تحلیل خواهند شد:

۲. ترتیب

ترتیب، به روابط بین توالی مفروض وقایع در داستان و ترتیب واقعی بازنمایی آنها در متن اشاره دارد. (ژنت، ۱۹۸۰، ص ۳۳) ژنت هرگونه انحراف در ترتیب ارائه وقایع در متن را نسبت به ترتیب آشکار وقوعشان در داستان، نابه‌نگامی^۱ (anachrony) می‌نامد. (همان، ص ۴۸)

نابه‌نگامی یک اصطلاح کلی برای بیان اختلاف بین نظم منطقی داستان و ترتیب واقعی وقایع در گفتمان‌ها است. (ولز، ۲۰۱۱، ص ۱۷) نابه‌نگامی قسمتی از متن است که زودتر یا دیرتر از موقعیت طبیعی آن در توالی واقعه آمده است. در زوايه دید زمانی، نابه‌نگامی‌ها درون متن بررسی می‌شود، ولی در یک جمله هم می‌توان آنها را مشاهده کرد. نابه‌نگامی‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: تأخر یا پس‌نگاه و تقدم یا پیش‌نگاه. تأخر، یک حرکت نابه‌نگام به زمان گذشته است، به طوری که حادثه‌ای که از نظر توالی زمانی،

زودتر اتفاق افتاده، در متن دیرتر نقل می‌شود. برعکس، تقدم، یک حرکت نابه‌هنگام به زمان آینده است، به طوری که یک واقعه آینده در متن، قبل از زمان خود و نیز قبل از ارائه وقایع زمانی میانی، نقل می‌شود. به عقیده ژنت، تقدم نسبت به تأخر، بسیار نادرتر است. (تولان، ۱۳۹۳، ص ۷۹)

۱.۲ بررسی ترتیب در داستان قرآن

در داستان‌های قرآنی ترتیب ملاک نیست، گویا داستان‌های قرآنی که در میان سایر آیات پراکنده شده‌اند هدفی فراتر از خود داستان را دنبال می‌کنند، اما اگر یک سیر منطقی در داستان پیدا کرد باید ابتدا آن را در سوره‌های مختلف جمع و دسته‌بندی و سپس به یک ساختار مرتب و ترتیب‌وار رسید. برای این موضوع می‌توان از کتبی که داستان‌های قرآنی را جمع‌آوری کرده‌اند، نظر نمود، برای نمونه می‌توان از کتب، قصص الانبیاء ابن کثیر (۲۰۰۳، ص ۱۲۰)؛ قصص الانبیاء راوندی (۱۴۳۰، ج ۱، ص ۲۹۳)؛ القصص القرآنی محمد باقر حکیم (۱۳۷۴، ص ۱۷۵) کمک گرفت، اما این مقال برآن است تا داستان را به شیوه‌ای نو و جدید برحسب نزول آیات مربوطه در قرآن دسته‌بندی و براساس داستان استخراج شده به بررسی و کندوکاو آن پرداخته شود، جدول ذیل ترتیب آیات نازل شده درباره داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و لوط علیه السلام برحسب نزول سور قرآنی را نشان می‌دهد:

جدول ۱: ترتیب داستان بر حسب نزول

داستان حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> به ترتیب نزول				
نام سوره	آیات	محل نزول	شماره بر حسب نزول	شماره در مصحف
اعلی	۱۸-۱۹	مکی	۸	۸۷
نجم	۳۷	مکی	۲۳	۵۳
ص	۴۵-۴۶	مکی	۳۸	۳۸
مریم	۴۱-۵۰	مکی	۴۴	۱۹
شعراء	۶۹-۸۹	مکی	۴۷	۲۶
هود	۶۹-۷۶	مکی	۵۲	۱۱
انعام	۷۴-۹۰	مکی	۵۵	۶
انعام	۱۶۱	مکی	۵۵	۶
صافات	۸۳-۱۱۱	مکی	۵۶	۳۷
شوری	۱۳	مکی	۶۲	۴۲

زوایه دید زمانی در داستان‌های قرآن و عهد عتیق ... (عیسی علیزاده منامن و دیگران) ۱۶۹

۴۳	۶۳	مکی	۲۸	زخرف
۵۱	۶۷	مکی	۳۷-۲۴	ذاریات
۱۶	۷۰	مکی	۱۲۲-۱۲۰	نحل
۱۴	۷۲	مکی	۴۱-۳۵	ابراهیم
۲۱	۷۳	مکی	۷۳-۵۱	انبیاء
۲۹	۸۵	مکی	۳۲ و ۳۱- ۲۶	عنکبوت
۲	۸۷	مدنی	۱۳۱-۱۲۴	بقره
۲	۸۷	مدنی	۲۶۰-۲۵۸	بقره
۳	۸۹	مدنی	۹۷-۹۵	آل عمران
۵۷	۹۴	مدنی	۲۶	حدید
۳۳	۹۰	مدنی	۷	احزاب
۶۰	۹۱	مدنی	۴	ممتحنه
۴	۹۲	مدنی	۱۲۵	نساء
۲۲	۱۰۴	مدنی	۳۰-۲۶	حج
داستان حضرت لوط <small>علیه السلام</small> به ترتیب نزول				
۵۴	۳۷	مکی	۴۰-۳۳	قمر
۷	۳۹	مکی	۸۴-۸۰	اعراف
۲۶	۴۷	مکی	۱۷۴-۱۶۰	شعراء
۲۷	۴۸	مکی	۵۸-۵۴	نمل
۱۱	۵۲	مکی	۸۳-۷۷	هود
۱۵	۵۴	مکی	۷۴-۶۱	حجر
۳۷	۵۶	مکی	۱۳۸-۱۳۳	صافات
۵۲	۶۷	مکی	۳۷-۳۱	ذاریات
۲۱	۷۳	مکی	۷۵-۷۴	انبیاء
۲۹	۸۵	مکی	۲۵-۲۸	عنکبوت

بر این اساس اگر دسته‌بندی آیات در نظر گرفته شود می‌توان ادعا نمود که داستان دارای ترتیب خاصی است که از چند ایزود خاص در موقعیت‌های خاص تشکیل یافته است، در شکل ذیل این مورد نشان داده شده است:

ایزود اول: مقدمه — سوره‌های اعلیٰ، نجم، صاد — در بیان مقدمه‌ای برای شروع داستان
 ایزود دوم: ایجاد زمینه برای داستان — سوره مریم — بیان مشاجره پدر و پسر
 ایزود سوم: ورود به داستان — سوره شعراء — بیان مجادله با قوم و بیان عظمت خدا
 ایزود چهارم: ادامه — سوره انعام — همان موضوع

اییزود پنجم: چرخش گفتار— سوره هود — مژده فرزند به وی در عنفوان پیری و عذاب قوم لوط

اییزود ششم: تاخر به پرده سوم و چهارم — سوره صافات (۸۸-۹۸) — محاجه با قوم و در آتش افکندن ابراهیم

اییزود هفتم: اوج داستان — سوره صافات (۹۹-۱۱۲) — قربانی فرزند

اییزود هشتم: ملایم شدن داستان — سوره شوری و زخرف — بیان نبوت ابراهیم

اییزود نهم: تاخر به پرده پنجم — سوره ذاریات — مژده فرزند و عذاب قوم لوط

اییزود دهم: ملایمت داستان — سوره نحل — بیان عظمت ابراهیم

اییزود یازدهم: تاخر زمانی — سوره ابراهیم — رها کردن فرزندی که باید قربانی شود.

اییزود دوازدهم: تاخر به پرده ششم — سوره انبیاء — محاجه با قوم

اییزود سیزدهم: تاخر به پرده پنجم و نهم — سوره عنکبوت — عذاب قوم لوط

اییزود چهاردهم: تاخر زمانی — سوره بقره — محاجه با پادشاه همزمان با محاجه با قوم

اییزود پانزدهم: ارائه پاداش — سوره بقره — ساختن کعبه

اییزود شانزدهم: شروع قسمت پایانی داستان — سوره بقره — زنده کرده پرنندگان

اییزود هفدهم: بیان نتیجه‌گیری از داستان — سوره‌های آل

عمران، حدید، احزاب، ممتحنه، نساء، حج — هدایت ابراهیم و راه وی

با توجه به هفده اییزود بالا می‌توان داستان را در چند قسمت عنوان نمود:

- مقدمات داستان که در جای خود و برای شروع مناسب هستند.
- بیان متن داستان با مشاجره با پدر و قوم و پادشاه که این قسمت‌ها دارای تاخر هستند و دارای تکرار می‌باشند، ولی هرچه کلیات مشترک ولی در جزئیات تفاوت‌هایی قابل مشاهده است.
- بیان مژده فرزند و عذاب قوم لوط که نشان از سبک ویژه قرآن در آوردن تبشیر و انذار در کنار همدیگر می‌باشد.
- بیان اوج داستان درست در ثقل داستان که قربانی فرزند می‌باشد.
- بیان نبوت ابراهیم و شمردن فضایل و عظمت وی

زوايه دید زمانی در داستان‌های قرآن و عهد عتیق ... (عیسی علیزاده منامن و دیگران) ۱۷۱

- نتیجه‌گیری در باب داستان که این مطلب هم در جایگاه انتهایی و درست مطرح شده است.

در داستان تقدم وجود ندارد ولی تاخر مطلب در چند جا عنوان شده است مثلا ، قربانی فرزند باید بعد از رها کردن باشد که قبل از آن عنوان شده است؛ یا محاجه با پادشاه و محاجه با قوم چند نوبت تکرار شده است که در جایگاه خاص خود نیستند. داستان حضرت لوط در قرآن ده مکان ذکر شده است و در همه‌ی آنها به یک سخن پرداخته شده است، هر چند شاید در جزئیات کمی فرق داشته باشد ولی در همه صحبت یک چیز است، داستان حضرت لوط علیه السلام به طور کلی از چند صحنه تشکیل شده است:

پرده اول: گنه‌کاری قوم لوط

پرده دوم: آمدن و نهی از آن عمل توسط حضرت لوط علیه السلام

پرده سوم: آمدن فرشتگان عذاب

پرده چهارم: گفتگوی لوط علیه السلام با آنان

پرده ششم: درخواست عجیب قوم لوط از وی در قبال میهمانان

پرده هفتم: نجات جان لوط و خانواده‌اش بجز همسرش

پرده آخر: عذاب قوم لوط با بارش سنگ آتشین.

در داستان حضرت لوط علیه السلام در قرآن پیش‌نگاه و یا پس‌نگاه قابل مشاهده نیست.

۲.۲ بررسی ترتیب در عهد قدیم

هرچه در قرآن کریم ترتیب ملاک نیست، ولی با چینش زمان نزولی آیات این ترتیب بدست می‌آید گویا ترتیب نزول آیات با ترتیب داستان ارتباط مستقیم دارد، هر چند تاخر در برخی آیات دیده می‌شود ولی این تاخر به علت برآیند اصلی داستان و هدف کلی قرآن کریم در هدایت می‌باشد؛ در عهد قدیم این موضوع عینیت ویژه دارد، یعنی حوادث پشت‌سرهم و به نظم آمده است.

از ویژگی‌های سبکی خاص عهد قدیم نبودن نابهنگامی در داستان آن است، به طوری که داستان حضرت ابراهیم علیه السلام از تولد ایشان آغاز و به مرگ آن بزرگوار ختم می‌شود، و در

بین این دو حادثه هیچگاه حادثه‌ای از مکان خاص خود عدول نمی‌کند، و این عامل می‌تواند نشانگر بزرگی باشد که سبک نوشتاری در آن غالب که بر خلاف قرآن که سبک گفتاری دارد.

داستان حضرت لوط علیه السلام هم در بین داستان حضرت ابراهیم و در واقع جزئی از داستان ایشان نقل شده است و حوادث در آن به ترتیب خاص چینش گشته است. جزئی گویی عهد عتیق در ترتیب هم قابل مشاهده است، ولی این مورد در قرآن به صورت کلی بیان و می‌توان این مورد را در ترتیب تطبیق داد.

۳. دیرش (تداوم)

تداوم یا دیرش رابطه میان زمان حوادث سطح داستان و مدت قرائت حوادث مزبور در سطح متن است، یعنی رابطه‌ای است بین مقدار زمانی که فرض می‌شود، وقایع عملاً به خود اختصاص داده‌اند و مقدار متنی که برای همان وقایع صرف می‌شود. در واقع تداوم به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه اندازه از زمان سطح داستان در سطح متن نمودار پیدا می‌کند؟

ژنت سرعت ثابت (constant speed) را معیار فرضی اندازه‌گیری مقادیر گذشت زمان حوادث سطح داستان را در سطح متن پیشنهاد می‌کند. منظور از سرعت ثابت این است که نسبت میان این که داستان چه مدت به درازا می‌کشد و طول متن چقدر است، ثابت و بدون تغییر باقی می‌ماند.

سرعت هر قسمت از متن را می‌توان با توجه به سرعت قسمت‌های دیگر متن، سرعت متن در کل و یا با مقیاس‌های جهان واقعی سنجید، یعنی می‌توان این مسأله را بررسی کرد که روایت یک واقعه در متن چه سرعتی نسبت به روی دادن آن واقعه در جهان خارج دارد (افخمی و علوی، ۱۳۸۲، ص ۶۳).

براساس همین معیار، سرعت قرائت متن، افزایش (acceleration) یا کاهش (deceleration) می‌یابد. حداکثر سرعت، شتاب یا حذف (ellipsis)، وضعیت مقابل آن یعنی حداقل سرعت، درنگ یا مکث توصیفی (descriptive Pause) میان این دو انتهای طیف نیز، خلاصه (summary) و صحنه (scene) قرار می‌گیرد. (تولان، ۱۳۹۳، ص ۸۸-۹۸)

زوایه دید زمانی در داستان‌های قرآن و عهد عتیق ... (عیسی علیزاده منامن و دیگران) ۱۷۳

در حذف، پاره‌ای از تداوم داستان، هیچ مابه‌ازایی در متن ندارد. سرعت نقل حوادث سطح داستان در سطح متن افزایش می‌یابد؛ به دیگر سخن، مقادیری از زمان داستان در سطح متن حذف می‌شود. در درنگ توصیفی، تداوم متن طولانی‌تر از تداوم داستان است. سرعت نقل داستان در متن کاهش می‌یابد؛ به دیگر سخن، پاره‌ای طولانی‌تر از متن، به نقل حوادث اندکی از سطح داستان اختصاص می‌یابد. در خلاصه، تداوم متن کوتاه‌تر از تداوم داستان است. سرعت نقل حوادث سطح داستان در سطح متن، در خلاصه، اندکی طولانی‌تر از درنگ توصیفی و اندکی کمتر از حذف است؛ در واقع حوادث سطح داستان، خلاصه‌وار و فشرده در سطح متن نقل می‌شود. (همان)

نمایش صحنه‌حالی است که در آن، زمان داستان و زمان سخن پایه‌پای هم پیش می‌روند؛ یعنی دیرش داستان و دیرش سخن هماهنگ می‌شوند. چنین حالتی، مبتنی بر روایت مفصل و پر جزئیات رخداد است. در چنین وضعی، زمان داستان و زمان متن هم‌دیرش می‌شوند.

ریمون کنان می‌گوید: «در چنین حالتی آنچه ویژگی نمایش صحنه را مشخص می‌کند، کمیّت اطلاعات روایتی است از یک سو، و حذف و کنار نهادن نسبی راوی است از دیگر سوی». نمایش صحنه در واقع تلاشی به نمایش گذاشتن رخدادها و در واقع نوعی محاکات است. (قاسمی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸)

۱.۳ بررسی دیرش در داستان‌های قرآن

همان‌گونه که در مباحث قبل بیان شد داستان حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن از ۷ موضوع کلی تشکیل شده است که می‌توان آنها را به‌صورت‌های ذیل بیان نمود:

۱. مقدمه
۲. مجاجه‌های حضرت ابراهیم علیه السلام
۳. مژده فرزند
۴. قربانی فرزند
۵. عذاب قوم لوط علیهم السلام
۶. ساختن کعبه

۷. نتیجه

بررسی دیرش در این موضوع نشان می‌دهد که در موضوع مقدمه زمان روایت با زمان قرائت متناسب می‌باشد، از این روی می‌توان گفت که رابطه این مورد صحنه است.

درباره محاجات حضرت ابراهیم علیه السلام بیشترین زمان روایت را گرفته است و با زمان قرائت رابطه درنگ دارد.

درباره موضوع مژده فرزند که در دو نوبت ذکر شده است، زمان روایت با زمان قرائت تناسب کامل دارد، و می‌توان در این مورد هم رابطه صحنه را در نظر گرفت.

درباره موضوع قربانی فرزند زمان روایت به دلیل حساسیت موضوع بسیار کم و زمان قرائت نیز شتاب می‌گیرد، گویا خداوند می‌خواهد از روی این موضوع سریع بگذرد، پس می‌توان رابطه شتاب یا حذف را در نظر گرفت؛ یا می‌توان گفت کل زمان دیدن رویا تا انجام عمل قربانی را بسیار خلاصه بیان نموده است، از این رو می‌توان گفت که خداوند چکیده این موضوع را بیان نموده است.

در باب موضوع عذاب قوم لوط در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام در دو نوبت و مقارن با مژده فرزند بیان نموده است، در رابطه زمان روایت و قرائت در این رابطه می‌توان متناسب بودن آنها را در نظر گرفت و برای آن صحنه را مدنظر قرار داد.

در باب ساختن کعبه نیز با توجه به محتوای داستان و زمان روایت با قرائت داستان می‌توان گفت که رابطه صحنه جریان دارد. در موضوع نتیجه‌گیری به تناسب با هدف داستان‌های قرآن درنگ بیشتری صورت گرفته است، گویا بیان این نتایج بر بیان خود داستان اولویت دارد. جدول ذیل این موضوعات را بهتر نشان می‌دهد:

جدول ۲: دیرش در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن

ردیف	موضوع	آیات مربوطه	نوع دیرش
۱	مقدمه	اعلیٰ ۱۸-۱۹؛ نجم/۳۷؛ ص/۴۵-۴۶	صحنه
۲	محاجه‌های حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>	مریم/۴۱-۵۰؛ شعراء/۶۹-۸۹؛ انعام/۷۴-۸۲؛ صافات/۸۳-۹۹؛ انبیاء/۵۱-۷۳؛ بقره/۲۵۸؛ ممتحنه/۴	درنگ
۳	مژده فرزند	هود، ۶۹-۷۶؛ ذاریات/۲۴-۳۰	صحنه
۴	قربانی فرزند	صافات/۱۰۰-۱۱۱	شتاب-چکیده

زوایه دید زمانی در داستان‌های قرآن و عهد عتیق ... (عیسی علیزاده منامن و دیگران) ۱۷۵

۵	عذاب قوم لوط <small>علیه السلام</small>	ذاریات/۳۰-۳۷؛ عنکبوت/۲۶-۳۱ و ۳۲	صحنه
۶	ساختن کعبه	بقره/۱۲۴-۱۳۱؛ آل عمران/۹۵-۹۷؛ حج/۲۶-۳۰	صحنه
۷	نتیجه	مریم/۴۹-۵۰؛ انعام/۸۲-۹۰ و ۱۶۱؛ شوری/۱۳؛ زخرف/۲۸؛ نحل/۱۲۰-۱۲۲؛ ابراهیم/۳۵-۴۱؛ بقره/۲۶۰؛ حدید/۲۶؛ نساء/۱۲۵	درنگ

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد ایدئولوژی حاکم بر داستان‌های قرآن هدف هدایتی و تربیتی است به همین دلیل در اکثر موارد بعد از اتمام قسمتی از داستان به بیان نتیجه آن می‌پردازد، به مانند محاجه حضرت ابراهیم علیه السلام با قوم و پدر خویش در سوره مریم که بلافاصله بعد از ذکر داستان به نتیجه آن برای حضرت ابراهیم علیه السلام اشاره می‌کند:

﴿وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ اِبْرَاهِیْمَ اِنَّهٗ کَانَ صَدِیْقًا نَبِیًّا (۴۱)..... عَسٰی اَلَّا اَکُوْنَ بِدُعَاۤءِ رَبِّیْ شَاقِیًّا (۴۸)﴾ بیان داستان فَلَمَّا اَعْتَرٰهُمْ وَا مَا یَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَهَبْنَا لَهُۥٓ اِسْحٰقَ وَ یَعْقُوْبَ وَ کُلًّا جَعَلْنَا نَبِیًّا (۴۹) وَ وَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَ جَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلَیْهَا (۵۰) بیان نتیجه کار برای حضرت ابراهیم علیه السلام

یا در سوره‌ی انعام بعد از ذکر محاجه با قوم در آیات ۷۴ تا ۸۲ بلافاصله به ذکر نتیجه داستان در آیات ۸۳-۹۰ می‌پردازد، و این از دلایل درنگ در داستان‌های قرآنی است. از دیگر سوی محاجات حضرت ابراهیم علیه السلام در بیان کلی به هدایت قوم اشاره دارد و از این رو با توجه هدف کلی قرآن این جنبه رخ می‌دهد.

در مسائلی که بعد از ایمان رخ می‌دهد و در واقع تثبیت ایمان شکل گرفته و رابطه‌ی کمتری با هدایت دارند رابطه زمان روایت و زمان قرائت متناسب شده و رابطه صحنه بروز می‌کند. در این داستان مژده فرزند و ساختن کعبه بعد از تثبیت ایمان حضرت ابراهیم می‌باشد، گویا خداوند در این داستان به آیندگان نظر دارد تا افراد حاضر در داستان، و این یکی از اعجاز بلاغی داستان‌های قرآنی می‌باشد، که هدف تربیتی در آینده را مدنظر قرار داده است.

در موضوع قربانی فرزند خداوند بیان را به صورت خلاصه بیان کرده است، و این بیان بدان معناست که اولاً این امتحان برای معدود افراد خاص می‌باشد، ثانیاً نهایت ایمان را می‌رساند، ثالثاً به علت حساسیت موضوع و عاطفی بودن شدید قضیه سریع از آن گذر

می‌کند، این یک نکته مخفی در درون خود دارد و آن این است که این حادثه آنقدر بزرگ را در کوتاه‌ترین زمان به بهترین شیوه بیان کرده است.

داستان حضرت لوط علیه السلام در قرآن از سه موضوع اصلی تشکیل شده است و این سه موضوع در ده مکان از قرآن تکرار شده‌اند؛ می‌توان این سه موضوع را در عناوین سه‌گانه ذیل بررسی کرد:

۱. شرح گناهکاری قوم لوط علیهم السلام

۲. نجات خاندان لوط علیهم السلام

۳. فرود آمدن عذاب الهی

بررسی دیرش در این موضوع نشان می‌دهد که در موضوع مقدمه زمان روایت با زمان قرائت متناسب نمی‌باشد، و زمان قرائت متن بصورت خاص فراتر از مدت عذاب می‌باشد. توقف و تکرار متن در جایگاه‌های ده‌گانه قرآن نشان می‌دهد که در این موارد درنگ کافی صورت گرفته و سرعت نقل داستان در متن کاهش می‌یابد؛ و پاره‌ای طولانی‌تر از متن، به نقل حوادث اندکی از سطح داستان اختصاص می‌یابد از این رو در همه سه موضع مطرح شده می‌توان گفت که ارتباط زمان متن و قرائت متن از نوع درنگ می‌باشد اما با نگاه ریزتر می‌توان فهمید که در شرح گناه قوم لوط درنگ، در نجات خاندان لوط چکیده و در فرود آمدن عذاب چکیده استفاده شده است:

جدول ۳: دیرش در داستان حضرت لوط علیه السلام در قرآن

ردیف	موضوع	آیات مربوطه	نوع دیرش
۱	شرح گناهکاری	قمر/۳۳ و ۳۶ و ۳۷؛ اعراف/۸۰-۸۲؛ شعراء/۱۶۰-۱۶۹؛ هود/۷۷-۸۰؛ حجر/۶۷-۷۲؛ انبیاء/۷۴؛ عنکبوت/۲۸-۳۰	درنگ
۲	نجات خاندان لوط <small>علیهم السلام</small>	قمر/۳۴-۳۵؛ اعراف/۸۳؛ شعراء/۱۷۰-۱۷۱؛ هود/۸۱-حجر/۶۱-۶۵؛ صافات/۱۳۳-۱۳۴؛ ذاریات/۳۵-۳۶؛ انبیاء/۷۴-۷۵؛ عنکبوت/۳۱-۳۳	چکیده
۳	فرود آمدن عذاب	قمر/۳۴ و ۳۷-۴۰؛ اعراف/۸۴؛ شعراء/۱۷۴-۱۷۲؛ هود/۸۲-۸۳؛ حجر/۶۶ و ۷۳-۷۴؛ صافات/۱۳۵-۱۳۶؛ ذاریات/۳۲-۳۴؛ انبیاء/۷۴؛ عنکبوت/۳۳-۳۵	چکیده

با توجه به داده‌های بالا بنظر می‌رسد به علت قبح بالای عمل شرح گناه بیشتر مورد تاکید قرار گرفته است و نجات خاندان لوط علیهم السلام و فرود آمدن عذاب بصورت خلاصه و

زوايه دید زمانی در داستان‌های قرآن و عهد عتیق ... (عیسی عزیزاده منامن و دیگران) ۱۷۷

چکیده بیان شده است، که با هدف نهایی قرآن انطباق دارد، لذا به نظر می‌رسد این موضوع مشهود باشد که هدف قرآن بیان داستان نیست ولی از داستان به عنوان عبرت و هدایت استفاده نموده است، این بیان در آیات ذیل بسیار مشهود می‌باشد:

﴿وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ (نجات لوط) مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ﴾ (شرح گنهکاری) (در تقدیر آیه و همه اهل آن را نابود کردیم) (فرود آمدن عذاب)) ﴿وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (نتیجه‌گیری) ﴿(انبیاء/۷۴-۷۵)

یا در آیات ۵۴ تا ۵۸ سوره نمل می‌توان این الگو را به خوبی مشاهده نمود:

﴿وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (۵۴) أ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (۵۵) فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنْاسٌ يَنْطَهَرُونَ (۵۶)﴾ (شرح گنهکاری قوم لوط ﷺ)

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ (۵۷) (نجات لوط ﷺ)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءً مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ (۵۸) (فرود آمدن عذاب) ﴿

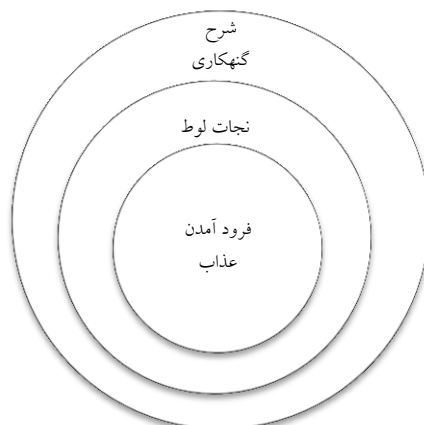
در سوره اعراف آیات ۸۰-۸۴ این الگو تکرار می‌شود:

﴿وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ (۸۰) إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ (۸۱) وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنْاسٌ يَنْطَهَرُونَ (۸۲)﴾ (شرح گنهکاری)

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (۸۳) (نجات لوط ﷺ)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ (۸۴) (فرود آمدن عذاب) ﴿

بیان کلی داستان حضرت لوط ﷺ در قرآن به شکل ذیل می‌باشد:



آنچه از بررسی داستان در قرآن نتیجه می‌دهد، فرآیندی را نشان می‌دهد که در راستای رسیدن به یک برآیند از قبل پیش‌بینی شده دارد، در این فرآیند اهداف تربیتی و هدایتی بیشتر دنبال هم ردیف می‌شوند و در برآیند آن هدایت انسان را در نظر می‌گیرد، چنانچه حوادثی را که بیشتر با این موضوع دارد را تاکید و حوادثی که نادر است را بسیار خلاصه بیان می‌نماید، چنانچه مشاهده می‌گردد در محاجات حضرت ابراهیم علیه السلام یا شرح گنهکاری قوم لوط علیهم السلام تا توانسته است درنگ نموده است، زیرا این حوادث ارتباط عمیقتری با هدایت انسان را دارند، ولی در حوادثی مانند قربانی فرزند که احتمال وقوع آن بسیار کم است به صورت چکیده بحث می‌کند، همچنین در جریان نجات خانواده لوط علیهم السلام این مورد دیده می‌شود، اما آنچه در این میان حائز اهمیت فصاحت بالای جملات بیان کننده حوادث می‌باشد که در عین کوتاهی دارای مضامین عالی و بیان کننده کل داستان می‌باشد.

۲.۳ بررسی تداوم در داستان عهد قدیم

داستان‌های عهد قدیم ترتیب‌وار از ولادت قهرمان شروع و با مرگ قهرمان پایان می‌پذیرند، در داستان حضرت ابراهیم و لوط علیهم السلام سیر کلی داستان به شکل جدول زیر است:

جدول ۴: دیرش در عهد قدیم

نام فصل	موضوع	نوع دیرش
پیدایش ۱۱	نسل ابرام	صحنه
پیدایش ۱۲	دعوت خداوند از ابرام	صحنه

زوایه دید زمانی در داستان‌های قرآن و عهد عتیق ... (عیسی علیزاده منامن و دیگران) ۱۷۹

چکیده	ابرام در مصر	
پیدایش ۱۳	جدایی ابرام از لوط	چکیده
پیدایش ۱۴	آزادی لوط	درنگ
پیدایش ۱۵	پیمان خداوند با ابرام	درنگ
پیدایش ۱۶	فرزندآوری هاجر	درنگ
پیدایش ۱۷	تغییر اسم ابرام به ابراهام	چکیده
	ختنه نشانه پیمان	درنگ
پیدایش ۱۸	وعده اسحاق به ابراهام	درنگ
	شفاعت ابراهام برای سدوم	درنگ
پیدایش ۱۹	گنجهکاری قوم لوط	درنگ
	نجات لوط	درنگ
	ویران شدن سدوم	چکیده
	نژاد موآبیان و عمونیان	چکیده
پیدایش ۲۰	گرفتن زن ابراهام توسط پادشاه جرار	درنگ
پیدایش ۲۱	تولد اسحاق	چکیده
	مهاجرت هاجر با اسماعیل	صحنه
	پیمان ابراهیم با پادشاه ابی ملک	صحنه
پیدایش ۲۲	قربانی کردن اسحاق	درنگ
پیدایش ۲۳	فوت سارا	درنگ
پیدایش ۲۴	ازدواج اسحاق	درنگ
پیدایش ۲۵	فرزندان ابراهیم	چکیده
	فوت ابراهیم	حذف

با توجه به جدول فوق به نظر می‌رسد با توجه به ایدئولوژی حاکم بر داستان‌های عهد قدیم؛ هرکجا صحبت از بیان نسب می‌باشد به ذکر وقایع و جزئیات پرداخته و در آنجا توقف بیشتری دارد، اما نکته عجیب داستان سریع رد شدن از تولد اسحاق می‌باشد که برخلاف رویه تورات می‌باشد، نکته عجیبتر اشاره به فوت حضرت ابراهیم عليه السلام در یک جمله است، که گویا این موضوع اهمیت خاصی ندارد، نکته‌ی حائز اهمیت در داستان این است که در فراسوی داستان برای توقف بیشتر به مال و اموال حضرت ابراهیم عليه السلام اشارات فراوان شده و وی را ثروتمند معرفی نموده است، از دیگر سوی تغییرات زمانی داستان به ترتیب و پشت سرهم القا کننده یک دوره تاریخ می‌باشد.

در برخی موارد نیز زمان قرائت متن با زمان روایت منطبق است.

از برآیند زمان روایت و زمان قرائت آن می‌توان نتیجه گرفت داستان آشفتگی خاصی دارد، یا بیان‌کننده آن به قصد و نیت آن را بیان داشته است، درباره فرزندآوری هاجر درنگی خاص دیده می‌شود، که باتوجه به آن می‌توان نتیجه گرفت نیت پدیدآورنده اعمال یک فکر مخفی که می‌خواهد شان وی را پایین بیاورد دیده می‌شود.

در ازدواج اسحاق نیز درنگی قابل ملاحظه وجود دارد، و این نکته را می‌خواهد برساند که ازدواج وی امری الهی و منتخب خداوند است.

در موضوع فرزندان ابراهیم علیه السلام به شتاب از بحث فاصله می‌گیرد و فقط اسم آنان را بیان می‌کند، گویا دیگر فرزندان اهمیت خاصی در تاریخ ندارند.

در بیان فوت سارا درنگ نشان‌دهنده عظمت وی در نگاه عهد قدیم می‌باشد.

آنچه از بحث فوق نتیجه‌گیری می‌شود، اهمیت نسل در تورات است، و نسبت این موضوع با توقف در بحث قابل مشاهده است، از دیگر سوی اهمیت دادن به مال و مکت حضرت ابراهیم علیه السلام نیز جای بحث دارد، و بحث بیش از اندازه در مورد آن به مقام معنوی وی لطمه وارد می‌کند، در مقام بحث از فرزندان نیز درنگی قابل توجه مشاهده می‌شود که این نکته در بیان اسماعیل با تحقیر و در باب اسحاق با عظمت بیان می‌شود و در نتیجه با نیتی خاص صورت می‌گیرد که به نظر درست نمی‌آید، درباب برخی جریانات هم به صورت خلاصه بحث شده که از نیت مولف پرده برمی‌دارد. در حالت کلی بحث آشفتگی در بیان تداوم دارد، و در اغلب موارد با آنکه به جزییات پرداخته شده است نتیجه کاملی را ندارد، این بحث درست نقطه مقابل قرآن می‌باشد.

۴. بسامد

سومین مولفه‌ای که ژنت بررسی می‌کند بسامد نام دارد، بسامد، نسبت بین تعداد دفعات رخ دادن یک رویداد و تعداد دفعات نقل آن در داستان است. (ژنت، ۱۹۸۰، ص ۱۱۳-۱۱۶)

تولان معتقد است که بسامد، به اندازه ترتیب و تداوم تجربی نیست و به همین دلیل، از بین عناصر زمان، به بسامد کمتر پرداخته شده است. (تولان، ۱۳۹۳، ص ۹۸). ژنت سه نوع بسامد را برمی‌شمرد.

زوايه دید زمانی در داستان‌های قرآن و عهد عتیق ... (عیسی علیزاده منامن و دیگران) ۱۸۱

بسامد مفرد (singulative frequency)، متداول ترین نوع بسامد است و به این معنی است که رخدادی که یک بار اتفاق افتاده، یک بار هم در روایت داستانی نقل شده است. (ژنت، ۱۹۸۰، ص ۱۱۳)

نوع دیگر بسامد، بسامد مکرر (Repetitive Frequency) است که در آن، رویدادی را که تنها یک بار اتفاق افتاده است، چندین بار در داستان روایت کنند. (همان)

آخرین نوع بسامد، بسامد باز گو (Iterative Frequency) است. بسامد بازگو، یک مرتبه نقل کردن رویدادی است که چندین بار اتفاق افتاده است. (همان) نویسنده معمولاً حالت پایدار آغازین را به کمک افعال استمراری که ارزشی تکرار شونده دارند، بیان می کند. (شاکری و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۱۸)

۱.۴ بررسی بسامد در داستان‌های قرآن

نوع برخورد قرآن با داستان را می توان از نوع بسامد مکرر دانست زیرا اغلب حوادث داستان در مکان‌های مختلف تکرار شده است، این موضوع را شاید بتوان در اندیشه کلی حاکم بر قرآن دانست که هدف آن هدایت می باشد، جدول زیر حوادث و رخداد‌های تکرار شده در آیات قرآن در دو داستان حضرت ابراهیم و لوط علیهم السلام را نشان می دهد:

جدول ۵

داستان حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>			
ردیف	موضوع	آیات مربوطه	نوع بسامد
۱	مقدمه	اعلیٰ ۱۸-۱۹؛ نجم ۳۷؛ ص ۴۵-۴۶	مفرد
۲	مواجهه‌های حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>	مریم/۴۱-۵۰؛ شعراء/۶۹-۸۹؛ انعام/۷۴-۸۲؛ صافات/۸۳-۹۹؛ انبیاء/۵۱-۷۳؛ بقره/۲۵۸؛ ممتحنه/۴	مکرر
۳	مژده فرزند	هود، ۶۹-۷۶؛ ذاریات/۲۴-۳۰	مکرر
۴	قربانی فرزند	۱۰۰/۱۱۱ صافات	مفرد
۵	عذاب قوم لوط <small>علیهم السلام</small>	ذاریات/۳۰-۳۷؛ عنکبوت/۲۶-۳۱ و ۳۲	مکرر
۶	ساختن کعبه	بقره/۱۲۴-۱۳۱؛ آل عمران/۹۵-۹۷؛ حج/۲۶-۳۰	مکرر
۷	نتیجه	مریم/۴۹-۵۰؛ انعام/۸۲-۹۰ و ۹۱؛ شوری/۱۳؛ زخرف/۲۸؛ نحل/۱۲۰-۱۲۲؛ ابراهیم/۳۵-۴۱؛ بقره/۲۶۰؛ حدید/۲۶؛	مکرر

نساء/۱۲۵			
داستان حضرت لوط			
مکرر	قمر/۳۳ و ۳۶ و ۳۷؛ اعراف/۸۰-۸۲ شعراء/۱۶۰-۱۶۹؛ هود/۷۷-۸۰ حجر/۶۷-۷۲؛ انبیاء/۷۴؛ عنکبوت/۲۸-۳۰	شرح گنهکاری	۱
مکرر	قمر/۳۴-۳۵؛ اعراف/۸۳ شعراء/۱۷۰-۱۷۱؛ هود/۸۱-حجر/۶۱-۶۵؛ صافات/۱۳۳-۱۳۴؛ ذاریات/۳۵-۳۶؛ انبیاء/۷۴-۷۵؛ عنکبوت/۳۱-۳۳	نجات خاندان لوط	۲
مکرر	قمر/۳۴ و ۳۷ و ۴۰؛ اعراف/۸۴ شعراء/۱۷۴-۱۷۲؛ هود/۸۲-۸۳ حجر/۶۶ و ۷۳-۷۴؛ صافات/۱۳۵-۱۳۶؛ ذاریات/۳۲-۳۴؛ انبیاء/۷۴؛ عنکبوت/۳۳-۳۵	فرود آمدن عذاب	۳

با توجه به جدول فوق می‌توان گفت در داستان حضرت ابراهیم (علیه السلام) به غیر از یک حادثه بقیه حوادث دارای تکرار می‌باشد، و این تکرار باعث ایجاد نوعی یادگیری در بلند مدت می‌شود یا به تعبیر امام خمینی (ره) باعث نقش بستن در حافظه می‌گردد. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص: ۳۴)

آنچه در این تکرارها آمده است نوعی هدایت خاص خداوندی است که با محوریت توحید در داستان حضرت ابراهیم بیان شده است، در ذیل این موارد نشان داده شده است.

- سوره مریم، آیه ۴۱-۵۰ (مکی/۴۴)
- آنچه به جای خدا می‌پرستیدند کناره گرفت، ...
- سوره شعراء، آیه ۶۹-۸۹ (مکی/۴۷)
- آن کس که مرا آفریده ...
- سوره انعام، آیه ۷۴-۹۰ (مکی/۵۵)
- ... و چگونه از آنچه شریک [خدا] می‌گردانید بترسم....
- سوره انعام، آیه ۱۶۱ (مکی/۵۵)
- ... و او از مشرکان نبود.
- سوره هود، آیه ۶۹-۷۶ (مکی/۵۲)
- ... آیا از کار خدا تعجب می‌کنی؟ رحمت خدا و برکات او بر شما خاندان [رسالت] باد.
- بی‌گمان، او ستوده‌ای بزرگوار است.
- سوره صافات، آیه ۸۳-۱۱۱ (مکی/۵۶)

زوایه دید زمانی در داستان‌های قرآن و عهد عتیق ... (عیسی علیزاده منامن و دیگران) ۱۸۳

.... با اینکه خدا شما و آنچه را که برمی‌سازید آفریده است.» ...

- سوره شوری، آیه ۱۳ (مکی/۶۲)

...دین را برپا دارید و در آن تفرقه‌اندازی مکنید.» بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی

آن فرا می‌خوانی، گران می‌آید. ...

- سوره زخرف، آیه ۲۸ (مکی/۶۳)

او آن را در پی خود سخنی جاویدان کرد، باشد که آنان [به توحید] بازگردند. (۲۸)

- سوره ذاریات، آیه ۲۴ تا ۳۷ (مکی/۶۷)

«پروردگارت چنین فرموده است. او خود حکیم داناست.»

- سوره نحل، آیه ۱۲۰-۱۲۲ (مکی/۷۰)

... حق‌گرای بود و از مشرکان نبود. ...

- سوره ابراهیم، آیه ۳۵-۴۱ (مکی/۷۲)

... مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار. ...

- سوره انبیاء، آیه ۵۱-۷۳ (مکی/۷۳)

اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا می‌پرستید. مگر نمی‌اندیشید؟»

- سوره عنکبوت، آیه ۲۶-۳۱ و ۳۲ (مکی/۸۵)

... «ما اهل این شهر را هلاک خواهیم کرد، زیرا مردمش ستمکار بوده‌اند...»

- سوره بقره، آیه ۲۵۸-۲۶۰ (مدنی/۸۷)

...پروردگار من همان کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند....

- سوره بقره، آیه ۱۲۴-۱۳۱ (مدنی/۸۷)

... فرمود: «و [لی] هر کس کفر بورزد ...

- سوره آل عمران، آیه ۹۵-۹۷ (مدنی/۸۹)

... و از مشرکان نبود،

- سوره حدید، آیه ۲۶ (مدنی/۹۴)

و در حقیقت، نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان آن دو، نبوت و کتاب را

قرار دادیم: از آنها [برخی] راه‌یاب [شد] ند، و [لی] بسیاری از آنان بدکار بودند.

- سوره احزاب، آیه ۷ (مدنی/۹۰)

و [یاد کن] هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم، و از [همه] آنان پیمانی استوار گرفتیم. (۷)

- سوره ممتحنه، آیه ۴ (مدنی/۹۱)

... به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید.

- سوره نساء، آیه ۱۲۵ (مدنی/۹۲)

... از آیین ابراهیم حق‌گرا پیروی نموده است....

- سوره حج، آیه ۲۶-۳۰ (مدنی/۱۰۴)

.... چیزی را با من شریک مگردان

در همه این تکرارها معنای محوری بر گرد توحید دوران داشته است. اما حادثه قربانی فرزند فقط یکبار دیده می‌شود، بنظر می‌رسد نگاه به این مقوله خاص در دیدگاه قرآن نیز خاص می‌باشد، لفظ حلیم درباره هیچ‌کدام از پیامبران الهی بجز ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام استفاده نشده است، نگاهی عمیق به معناشناسی حلیم این نکته را نشان می‌دهد که حلم جایگاه بالاتری نسبت به بردباری و صبر را دارد، همچنین هم‌نشینی این واژه با قربانی شدن نشان از اهمیت موضوع دارد، که نشان از توانایی تسلیم در برابر خداوند دارد. این نکته را می‌توان دریافت که تسلیم در برابر خداوند هم جایگاه صبر، جایگاه علم، جایگاه تقوا و امثال اینها را در درون خویش دارد، پس حلم جامع اینها نیز می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که سر یکباره آن در قرآن به این معناست که کمتر انسانی می‌تواند به این جایگاه برسد، چنانچه در طول تاریخ این شمول بندگان بسیار کم می‌باشد، و شاید بارزترین آن حادثه کربلا می‌باشد.

در داستان حضرت لوط علیه السلام این تکرار به اوج خود می‌رسد و در مواضع ده‌گانه تکرار مکررات می‌شود، دلیل این تکرار همانگونه که ذکر شد قبح شدید عملی است که انجام شده است و برحذر داشتن از آن عمل می‌باشد.

تجزیه و تحلیل کلی داستان نشان دهنده جنبه هدایتی قرآن است و تکرار موضوعات در قرآن از این بیان می‌باشد. تکرارهای قرآن در نهایت زیبایی و فصاحت صورت گرفته به بلاغت آن افزوده است.

۲.۴ بررسی بسامد در داستان عهد قدیم

در داستان حضرت ابراهیم و لوط علیهم‌السلام در عهد قدیم اغلب موضوعات یکبار اتفاق می‌افتد ولی وعده زمین‌گیر و فراوان شدن فرزندان حضرت ابراهیم علیهم‌السلام و افزایش نسل و یدر چند مکان آمده است، از دیگر سوی موضوع ثروت و مال حضرت بسیار زیاد تکرار شده است، گویا هدف کلی داستان بیان ثروت حضرت ابراهیم علیهم‌السلام می‌باشد، موضوع مرگ ابراهیم علیهم‌السلام در دو جای بصورت خلاصه تکرار شده است یکبار در سفر پیدایش و فصل پانزده به صورت پیشگویی به شکل « تو خودت کاملاً پیر می‌شوی و با آرامی به نزد اجداد خود خواهی رفت و دفن خواهی شد. »^۲ و یکبار در انتهای داستان به صورت « ابراهیم در سن صد و هفتاد و پنج سالگی در حالی که کاملاً پیر شده بود، وفات یافت و به نزد اجداد خود رفت. »^۳ (پیدایش/۲۵، ۷-۸) آمده است.

موضوع خواهر معرفی کردن سارای توسط ابراهیم علیهم‌السلام نیز دو مرتبه تکرار شده است، یکبار در مصر و مواجهه با فرعون (پیدایش/۱۲، ۱۲) و یکبار دیگر در برخورد با پادشاه جرار، ابی‌ملک (پیدایش/۲۰، ۲-۳)؛ این موضوع تنافی با سیره انبیاء دارد، به فرض بار اول این اشتباه انجام شده است آیا برای بار دوم نیز این اشتباه باید صورت گیرد؟ مفسران تورات در پاسخ به این پرسش این‌گونه توضیح می‌دهند:

که ابراهیم در بدو ورود به علت آشنایی با خصیصه قوم مصر و ترس از اینکه ممکن است وی را بکشند، سارا را طلاق داد و این طلاق چون به علت ترس از زندگی است معتبر می‌باشد و این همان معنای زن شوهردار (*בְּעֻלָּת בְּעֻלָּה*) است که در این مکان ذکر شده است. اما در جرار اینگونه نبود و برخلاف مصر که با شهوتشان ازدواج می‌کردند، اینان با آداب و رسوم ازدواج می‌کردند. (ben Asher, 1998)

باز با این توجیه نیز نمی‌توان براین امر سرپوش گذاشت و این دلیلی بر غیرالهی بودن تورات می‌باشد.

موضوع مژده فرزند نیز دوبار تکرار شده است.

بیان داستان در تورات به صورت کلی به دلیل بیان جزئیات بدون تکرار بیان می‌شود، اما تورات نیز براساس سیره یهود به افزوده شدن قوم ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام پی‌درپی اشاره دارد و این نوع خود به نژاد پرستی پنهان در درون خویش را دارد، همچنین موضوع ثروت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام نیز تکرار شده است که این امر با سیره انبیاء همخوانی ندارد. بیان یک اشتباه در دو محل نیز آن هم از نبی خدا قابل پذیرش و تکرار آن موجب وهن است.

۵. نتیجه‌گیری

داستان به علت جاذبه خاص که دارد در هر دو کتاب مقدس قرآن کریم و عهد قدیم جایگاه ویژه‌ای دارد، بررسی زوایه دید زمانی در داستان‌های دو کتاب مقدس نشان می‌دهد که ترتیب خاص داستان عهد عتیق به علت نوشتاری بودن بارزتر از داستان در قرآن می‌باشد، نابهنگامی در قرآن بر خلاف عهد عتیق قابل مشاهده است، که با توجه به آن می‌شود گفت بافت قرآن هدایتی و بافت عهد عتیق تاریخی می‌باشد.

زمان قرائت متن و زمان سطح داستان در قرآن کریم تفاوت وجود دارد و در داستان حضرت ابراهیم هماهنگی بیشتری بین متن و زمان قرائت وجود دارد، در مسائلی که به تثبیت ایمان اشاره دارد و رابطه‌ی کمتری با هدایت دارند رابطه زمان روایت و زمان قرائت متناسب شده و رابطه صحنه بروز می‌کند. در این داستان مژده فرزند و ساختن کعبه بعد از تثبیت ایمان حضرت ابراهیم می‌باشد، گویا خداوند در این داستان به آیندگان نظر دارد تا افراد حاضر در داستان، و این یکی از اعجاز بلاغی داستان‌های قرآنی می‌باشد، که هدف تربیتی در آینده را مدنظر قرار داده است. ولی در داستان حضرت لوط این هماهنگی دیده نمی‌شود و داستان در بازه‌های ده‌گانه خود تکرار می‌شوند، بررسی دیرش در این موضوع نشان می‌دهد که در موضوع مقدمه زمان روایت با زمان قرائت متناسب نمی‌باشد، و زمان قرائت متن بصورت خاص فراتر از مدت عذاب می‌باشد. در داستان تورات با توجه به ایدئولوژی حاکم بر آن هرچه در باب نسب و نسل صحبت می‌شود درنگ بیشتری صورت گرفته است و در مسائلی که با نیت خاص بیان شده است توقف صورت و در برعکس آن شتاب می‌گیرد، در داستان عهد قدیم یک نوع آشفتگی دیده می‌شود.

نوع برخورد قرآن با داستان را با توجه به اندیشه کلی حاکم بر قرآن می‌توان از نوع بسامد مکرر دانست زیرا اغلب حوادث داستان در مکان‌های مختلف تکرار شده است، اما

زوايه دید زمانی در داستان‌های قرآن و عهد عتیق ... (عیسی علیزاده منامن و دیگران) ۱۸۷

در عهد قدیم هرچند بسامد مکرر وجود دارد ولی اغلب حوادث یکبار اتفاق می‌افتد. در یک بیان کلی می‌توان گفت که اندیشه حاکم بر داستان برگرفته از اندیشه کلی مولف کتاب می‌باشد و باتوجه به آن رنگ می‌پذیرد و تغییر زوايه دید می‌دهد.

پی‌نوشت

۱. نابهنگامی یک اصطلاح کلی برای پوشش انواع اختلافات بین نظم (منطقی) داستان (تاریخچه) و ترتیب واقعی وقایع در گفتمان‌ها است.

2. וְאַתָּה תְּבֹא אֶל-אַבְרָהָם בְּשָׁלוֹם תִּקְבֹּר בְּשֵׂיבָה טוֹבָה.
3. וְאַלֶּה יִמִּי שְׁנֵי-חַיֵּי אַבְרָהָם אֲשֶׁר-יִחַי מֵאַתְּ שְׁנָה וְשָׁבַעִים שָׁנָה וְחִמֵּשׁ שָׁנִים، וַיָּגֵזַע וַיָּמָת. אַבְרָהָם בְּשֵׂיבָה טוֹבָה יָקָן וְשָׁבַע וַיֵּאָסֶף אֶל-עַמְּיוֹ

کتاب‌نامه

- افخمی علی، علوی سیده فاطمه (۱۳۸۲)، زبان‌شناسی روایت، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران)، دوره: ۵۳، شماره: ۱۶۵.
- تولان مایکل، روایت‌شناسی، (۱۳۹۳) درآمدی زبان‌شناسی – انتقادی، ترجمه سیده فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، تهران: سمت، چاپ دوم.
- شاکری جلیل، سهیلا غفوری، راحله بهادری (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی مولفه‌های زمان روایی در داستان «فرار» آلیس مونرو و داستان «پرلاشز» زویا پیرزاد، دییات تطبیقی (ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان)، سال هشتم پاییز و زمستان، شماره ۱۵.
- قاسمی‌پور قدرت (۱۳۸۷)، زمان و روایت، مجله نقد ادبی، دوره ۱، شماره ۲.
- قرآن کریم
- مصطفوی روح‌الله (امام خمینی) (۱۳۸۹)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر، چاپ پنجم.

TANAKH,(2009) Varda Books, skokie, illinois, usa.

Ben Asher Rabbi Bachya(1998), Rabbeinu Bahya, trans. Eliyahu Munk.

Genette Gerard(1998), Fiction et diction, New York: Cornell University.

Genette, Gerard(1980), Narrative Discourse, New York: Cornell University.

Simpson Paul(2004), STYLISTICS A resource book for students, , London: Routledge.

Wales, Katie(2011), A Dictionary of Stylistics, New York.